

## رمان «سمفونی مردگان» عباس معروفی با تأکید بر ((نظریه ایدئولوژی)) آلتوسر

فاطمه ادراکی<sup>۱</sup>

هادی یزدلی دهقانی<sup>۲</sup>

### چکیده

وجود نظریه ها و مکاتب ادبی گوناگون این امکان را به وجود می آورند که آثار ادبی از دیدگاه ها و زوایای گوناگونی مورد مطالعه، تحلیل و بررسی قرار بگیرند. بررسی شخصیت مرد رمان سمفونی مردگان بر مبنای ((نظریه ایدئولوژی)) می تواند خوانشی نو از این رمان باشد. مقاله ی حاضر به موضوع قدرت و چگونگی آن در رمان سمفونی بر اساس نظریه آلتوسر (Althusser) نظریه پرداز فرانسوی می پردازد.

مهمترین جایگاه تجلی قدرت در جامعه ی ایران، خانواده و مصداق ملموس و عینی آن، پدرسالاری است. در این پژوهش استدلال شده است که این داستان، روایتی است درباره ی قدرت در جامعه ایرانی از دوران باستانی تا دوران مدرن. پرسشهایی که در این پژوهش به آن پاسخ خواهیم گفت: از دیدگاه آلتوسر، ایدئولوژی ها چه تاثیری در زندگی افراد دارند؟ پیروی افراد از ایدئولوژی های حاکم بر آنها، در بازتولید جامعه چه نقشی دارد؟ و سرانجام عباس معروفی با ایدئولوژی پدرسالار چگونه برخورد می کند؟

در این پژوهش نخست خلاصه ای از داستان ارائه می شود و سپس به بررسی ایدئولوژی از دیدگاه آلتوسر می پردازیم و داستان از نگاه ایدئولوژیک مورد بررسی قرار می گیرد.

**کلید واژه ها:** سمفونی مردگان، عباس معروفی، ایدئولوژی، پدرسالار، آلتوسر

۱- دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول).

f\_edraki@yahoo.com

asemanekavir@gmail.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۹/۲۷

## مقدمه

رمان سمفونی مردگان در فاصله ی سال های ۱۳۶۳-۱۳۶۸ توسط عباس معروفی به نگارش در آمد. این رمان، روایت تقابل دو برادر با عقاید، اندیشه ها و شخصیت های کاملاً متفاوت است. تقابل دانش با جهل، مهربانی با نامهربانی و عشق و شهوت. روایت رمان سمفونی مردگان دایره ای شکل است یعنی خط روایت مستقیم نیست بلکه دارای پراکندگی زمانی است. داستان گاه از زبان نویسنده گفته می شود و گاه از زبان شخصیت های دیگر داستان چون: اورهان، آیدین و... بیان می شود. آن چه در این رمان باعث شده که داستان دارای خط مستقیم روایت نباشد جریان سیال ذهن و تک گویی ذهنی شخصیت هاست. در ادبیات انگلیسی نیز بین سال های ۱۹۱۳\_ ۱۹۱۵م ((قصه جریان سیال ذهن)) متولد شد (ایدل، ۱۳۷۴: ۱۴).

ساختار سمفونی مردگان دارای پنج موومان است، در موومان یکم، وقایع سال ۱۳۵۵ را بازگو می کند و خط روایت بین گذشته و آینده در نوسان است. زاویه ی دید این قسمت، گاهی اول شخص است که توسط اورهان بازگو می شود و گاه از زاویه دید سوم شخص محدود روایت می شود. در موومان های دوم، سوم و چهارم با حرکت آهسته ی روایت به سمت آینده مواجهیم. فلش بک های فراوان اما نامنظم به گذشته و دوران کودکی نشان دهنده ی اهمیت این مرحله در زندگی و منش شخصیت های داستان است. ناقدان بسیاری به بررسی رمان سمفونی مردگان پرداخته اند. اما اکثر قریب به اتفاق آنان به این اثر تنها در حکم یک نوشته جذاب و سرگرم کننده نگرسته اند و بر همین اساس تنها به دنبال توضیح دلایل فنی و ادبی جذابیت، و گاهی هم عدم موفقیت، این رمان فارغ از اهمیت آن در حکم یک متن و تولید فرهنگی بوده اند.

هدف از این پژوهش بررسی رمان مذکور بر مبنای نظریه ی ایدئولوژی آلتوسر است تا بدینوسیله خوانشی نو و متفاوت از این اثر جهانی ارائه دهیم.

## پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش ها در ارتباط با این رمان، تحلیل کاربرد تکنیک های روانکاوی در ساختار رمان، بررسی تطبیقی آن با رمان ((خشم و هیاهو)) اثر ویلیام فالکنر و کاربرد کهن الگوی رنگ هاست. به

همین خاطر پژوهشگر بر آن بود تا مطالعاتی در زمینه بررسی ایدئولوژیک شخصیت های داستان انجام دهد.

به همین منظور نخست ابتدا خلاصه ای از رمان را می آوریم و در ادامه به تحلیل داستان می پردازیم.

### خلاصه داستان

داستان مربوط به سال های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ و وقایع آن در اردبیل رخ داده است. محوریت داستان را خانواده ی اورخانی که دارای چهار فرزند می باشد، تشکیل می دهند. اشخاص داستان: پدر (جابر اورخانی) بازاری مسلک، سخت گیر و مذهبی و حامی اورهان، مادر مهربان و صبور و سلطه پذیر است و با محور حمایت از آیدین، ولی به دلیل تسلط صدای مردانه، مادر، کاری از پیش نمی برد. فرزند اول «یوسف» است که از بلندی با چتر سیاه و معمولی پدر به پایین پریده و افلیج و زمین گیر شده است و تبدیل به چیزی می شود بین آدم و حیوان. مرده و زنده. یک تکه گوشت یک جانور که مدام می بلعد (معروفی، ۱۳۸۰: ۱۱۱). او از نظر پدر «بچه خنگی است» (همان، ۸۱). بعدها اورهان او را با سنگی که به مغزش می کوبد، به گودال می اندازد و در سراسر داستان برادرکش معرفی می شود. پس از او دو قلوها «آیدا» و «آیدین» هستند.

آیدا، تنها دختر خانواده است که بسیار زیباست، دختری خودخور، صبور، شکسته که سلطه پذیر ایدئولوژی پدرسالار است.

در سن هفده سالگی فردی به نام انوشیروان آبادانی که تحصیل کرده ی آمریکاست به خواستگاری آیدا می آید. اما پدرش مخالف ازدواج آن هاست. و این مخالفت را با کنش رفتن به تبریز برای عدم حضور در عروسی نشان می دهد. از نگاه وی ازدواج آیدا نوعی «ناموس دزدی» است و سرانجام آیدا به دلیل آزار شوهر خود دست به خودسوزی می زند.

آیدین، دومین پسر خانواده است که تمام حساسیت های پدر سمت اوست. آیدین، منزوی و بی توجه به دنیا است. او به افکار سیاسی متهم است و به شعر و شاعری روی دارد هرچند که پدر مخالف آن است و دوست دارد او کاسب و ادامه دهنده ی راه وی باشد. کارهای آیدین پدر را نگران و مضطرب می کند و در پی تصمیمات خود، کتاب های آیدین را به آتش می کشاند. با این کنش پدر، آیدین، دو سال به خانه نمی آید و در این مدت در کارخانه ی فردی ارمنی به نام میرزایان مشغول به

## ۱۱۲۵۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

قاب سازی می شود، در آن جا با دختری به نام «سورمه» که دختر برادر آقای میرزایان است آشنا می شود و دختر، عاشق او می گردد. هنگامی که آیدین با پس انداز حاصل از قاب سازی تصمیم می گیرد که برای ادامه تحصیل به تهران برود از خودسوزی آیدا خبردار می گردد. مرگ آیدا باعث بازگشت آیدین به خانه می شود. پس از مدتی نیز پدر خانواده نیز به علت ناراحتی قلبی می میرد. اما با وصیتی که می کند نقطه ی درگیری اورهان و آیدین را شدت می بخشد. بر طبق وصیت، همه چیز باید میان اورهان و آیدین نصف باشد و اورهان برای این که حاکم همه چیز باشد به آیدین مغز چلچله می دهد و او را دیوانه می کند. دیوانگی و جنون آیدین پس از مرگ سورمه بر اثر جذام شدت می گیرد.

اورهان پسر کوچک خانواده است که همچون پدر سنگدل است؛ همان برادری که حرص دکان آجیل فروشی پدر را می خورد. او عقیم و ضد زن است و زن را مایه ی ننگ می داند. مدتی بعد از دیوانگی آیدین، مادر نیز به علت بیماری آسم می میرد. با مرگ مادر، اورهان، یوسف را به بیابان می برد و با سنگی وی را می کشد و همان جا خاکش می کند. اورهان در پی ازدواج با زنی به اسم آذر به عقیم بودن خود پی می برد اما آیدین از ازدواج با سورمه صاحب دختری شده است که حالا ۱۵ سال دارد و برای ثروت اورهان خطرناک است و سرانجام آیدین به دست اورهان کشته می شود تا درون مایه ی برادر کشی بر صحنه های داستان سایه بیفکند.

از شخصیت های فرعی داستان، ایاز پاسبان است. او از دوستان صمیمی پدر و عموست که به نوعی حمایت کننده ی ایدئولوژی پدر سالار- قدرت- است.

### آلتوسر و نظریه ایدئولوژی

آلتوسر (۱۹۱۸-۱۹۹۰) (Althusser) اندیشمند فرانسوی، مهمترین نظریه ی خود را در کتاب لنین و فلسفه (Lenin and Philosophy) مطرح می کند، در آنجا او به موضوع فرآیند حفظ قدرت در حکومت های سرمایه داری مدرن می پردازد. به باور وی این فرآیند با توسل به دوتنوع نهاد صورت می پذیرد: ۱- دستگاه سرکوبگر حکومت مانند پلیس، دادگاه و... ۲- دستگاه ایدئولوژیک حکومت از قبیل رسانه ها، خانواده، نظام آموزشی، احزاب سیاسی، دینی و... نوع اول با توسل به خشونت و نوع دوم با تکیه بر ایدئولوژی عمل می کنند. به نقل از آلتوسر، «ایدئولوژی همیشه در یک دستگاه موجودیت

میابد، و این موجودیت مادی است» (آلتوسر، ۱۳۸۸، ۳۷)، بنابراین یک رمان را می توان مبنای تحلیل چگونگی حفظ ایدئولوژی قرار داد.

نکته‌ی مهم بعدی در نظریه‌ی آلتوسر مفهوم «نام گذاری» (Interpellation) است. از نظر آلتوسر هر فرد، واجد ذهنیتی (Idea) است که توسط نهادها و عملکرد آن‌ها در ذهن وی شکل می گیرد. این فرد، دیگر فردیت (Individuality) ندارد و نمی تواند در شکل دهی به هویت خود نقش ایفا کند، بلکه سوژه‌ای با «موقعیت از پیش تعیین شده است» (استونز، ۱۳۹۰: ۳۰۴). این امر از راه آنچه که آلتوسر آن را «صدای زدن یا نامگذاری» می نامد، شکل می گیرد. به نظر وی، «ایدئولوژی برای هر فرد زنجیره‌ای از نقش‌های خاص را از پیش در نظر می گیرد که فرد درون آن‌ها جای داده می شود» (آلتوسر، ۱۳۸۸: ۱۷۷). بنابراین پدر سالاری و مرد سالاری به عنوان یک دستگاه ایدئولوژیک می توانند در نظر گرفته شود که زن را به عنوان سوژه مورد خطاب قرار می دهد. افراد ایدئولوژیک از نگاه آلتوسر همان شخصیت‌هایی هستند که از یک طرف پذیرای سلطه سیاسی، اجتماعی و ... هستند و از طرف دیگر تحت تعالیم و آموزه‌های دستگاه حاکم، افرادی دارای قدرت و سلطه. پس اینان در یک نگاه سلطه‌گر و در نگاه دیگر سلطه پذیر هستند. سلطه‌گر، نسبت به طبقه‌ی زیردست و سلطه پذیر نسبت به قدرت بالاتر. از این رو، چنین شخصیت‌هایی، اهل تحول نیستند یعنی اشخاصی هستند که در برابر ایدئولوژی‌های حاکم سر تعظیم فرو می آورند.

افراد سلطه پذیر ایدئولوژیک، افعالی منفعل و پذیرنده هستند، آنان در واقع اعضای فعال این طبقه اند و چندان فرصتی برای ایجاد اندیشه‌ها و توهماتی درباره‌ی خود ندارند (نک: بال و دگر، ۱۳۹۰: ۲۵).

ایدئولوژی پدرسالارانه در رمان سمفونی مردگان

### وهله‌ی اول: عصیان در برابر قدرت

تربورن در «ایدئولوژی قدرت و قدرت ایدئولوژی» بیان می کند که «بررسی یک متن یا گفتار در حکم ایدئولوژی تمرکز بر شیوه‌ی عملکرد آن [متن یا گفتار] در شکل دهی و تغییر هویت انسانی است» (صادقی ۱۳۸۷: ۸۹). سمفونی مردگان در حکم قسمتی از دستگاه ایدئولوژیک غیر قهریه در سه وهله به بازسازی مفهوم ایدئولوژی پدرسالارانه می پردازد. به باور آلبر کامو عصیان با «نه» آغاز می شود. عصیان گر کسی است که رو بر می گرداند و «نه» می گوید. برده‌ای که در سراسر عمرش

۱۳۸۷ // دوفصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

فرمان برده، ناگهان می بیند که نمی تواند فرمان تازه ای را بپذیرد... عصیان، نتیجه گذر متجاوز از مرزی است که عصیان گر برای عمل خود تعیین کرده است. او سر سخنان می کوشد، نشان دهد که حد و مرز خاصی وجود ندارد که متجاوز باید محترم بشمارد و از آن گام فراتر نگذارد (نک: کامو، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۴). اما اینکه آیدا و آیدین چه مقدار می توانند عصیان کنند در ادامه توضیح داده خواهد شد.

در قسمت اول نویسنده با خلق شخصیهایی چون آیدا و آیدین جایگاه پدر قدرتمند را - هم در جایگاه پدر مقتدر و هم در جایگاه نماینده ی طبقه ی صاحب قدرت - به چالش می کشاند و بدین ترتیب روزنه ی امیدی برای خواننده ایجاد می کند تا شاید در ساختار سنتی قدرت دگرگونی ایجاد شود.

شخصیت آیدین، شخصیت منحصر به فردی است. آیدین و تا حدی آیدا که خواسته های خود را در تقابل با اصحاب قدرت / پدر می بینند، به واکنش در برابر نماینده ی قدرت روی می آورند. آنها در مقابل صدای ایدئولوژیک پدرسالار سکوت نمی کنند. آیدا با مردی ازدواج میکند که پدر با آن مخالف است و آیدین نیز به گونه ای دیگر عصیان می کند.

پدر در برابر آیدین ضمن توسل به خشونت از توهین نیز استفاده می کند. «پدر نگاهی به بقیه کتاب های روی طاقچه انداخت و ناگاه برگشت: توله سگ، بازهم چرندیات می خوانی؟ کتاب را از دستش گرفت و از وسط جر داد. بعد از کمر قدر کاغذها را پاره کرد تا کف اتاق پر از کاغذ شد. جر می داد و می پاشید. هوار هم می کشید» (همان، ۳۹).

یا باز در جای دیگر، کتاب های آیدین را می سوزاند. «اورهان می گوید / پدر جرعه ای نفت پاشید و من کبریت کشیدم» (همان، ۴۲). جابر اورخانی فردی است که در زیر لوای مذهب معتقد به خرافات است و علت آن که کتاب های آیدین را در زیرزمین به آتش می کشاند نیز همین نوع نگاه اوست. او کسوف اتفاق افتاده را در حکم بلا می داند و منبع آن را آیدین و کتاب های وی.

همین کنش های پدر، باعث شد که آیدین در مقابل پدر قرار بگیرد و در برابرش طغیان کند. نخستین کنش آیدین برای بیرون آمدن از نظام سنتی پدرسالار، خارج شدن از خانه بود، خانه ای که محل قدرت پدر محسوب می شد: «اما اراده کرده بود که مستقل باشد و دیگر به خانه پدری پا نگذارد...» (معروفی، ۱۳۸۰: ۵۲).

علاوه بر کنش آیدین که نشان از شخصیت مستقل وی است می بینیم که او در گفتگو نیز برابر نظام سستی پدرسالاری می ایستد: «سر شام پدر گفت: تو انگار می خواهی مبارزه کنی. خودت را نشان نمی دهی، فکر می کنی دنیا یعنی آیدین. مثل مورچه را شنیده ای و [...] آیدین گفت: عقیده ی شما برای خودتان محترم است، پدر.

پدر گفت: عجب عجب. بچه ی ما، ما را قبول ندارد [...] پدر گفت: باشد، باشد. جور دیگر صحبت می کنیم. رو کرد به آیدین، منتهی به جلو پاش نگاه می کرد. بین پسر، از فردا نمی روی مدرسه. می آیی حجره. آیدین گفت: من می خواهم به درس ادامه بدهم، پدر. اگر نخواهی چطور می شود؟ می میرم. بمیر. اتاق در سکوت یخ زد. پدر باخته بود» (همان، ۱۲۵).

اورهان هم در قسمت های پایانی داستان به ایستادگی آیدین اشاره می کند: «پدر نتوانسته بود او را به عجز آورد و من می خواستم این کار را بکنم» (همان، ۳۲).

«مهار آیدین لحظه به لحظه از کف پدر بیرون می شد. سرکش و رام نشدنی. در زیرزمین حبشش می کردند، او در آن جا چنان سرگرم می شد که تا به سراغش نمی رفتند و اصرار نمی کردند بیرون نمی آمد» (همان، ۱۱۴).

شخصیت دیگری که در برابر ایدئولوژی پدرسالار می ایستد، آیدا است. او علی رغم مخالفت پدر / قدرت با شخصی به نام آبادانی ازدواج می کند: «پدر گفت: آیدا دیگر چطور می تواند به چشم های من نگاه کند؟ آبادانی گفت: مگر خلاقی مرتکب شده، پدر عزیز! به خشم آمده بود. پدر گفت: بزرگ تر از خلاف و خشمگین تر از آبادانی بود. و به آرامی گفت: شما او را وادار کردید که رو در روی ما بایستد» (همان، ۱۴۳). اما پدر خانواده نیز در برابر طغیان دو فرزند ساکت نشست. او نیز به عکس العمل هایی رو آورد. گاه به خشونت و ضرب و شتم و گاه با لحن تند و گزنده باعث آزار آنان شد. «دو بار گوش آیدا را پیچاند» (همان، ۹۸). «آیدا که آمد نگاهی به همه انداخت و کنار مادر نشست [...] مادر گفت: بخور [...] آیدا گفت: من میل ندارم. پدر با فریاد گفت: به جهنم که میل ندارم، برو سرت را بگذار» (همان، ۱۲۶). و یک بار زمانی که آیدا و مادر گوش ایستاده بودند و به دیالوگ های پدر و آبادانی پیش از ازدواج آیدا گوش می دادند «دست هردوشان را گرفت و با سرعت کشیدشان پائین. بردشان به آشپزخانه و در را بست. گفت: چرا بی اجازه آمده اند بالا» (همان، ۱۳۲). «آیدین را گرفت و آنقدر پس گردنش زد که تا سه روز نمی توانست سرش را تکان دهد.»

## ۲۶۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

(همان، ۲۴). این نوع کنش پدر از راه توسل به شیوه های خشن و گفتمان خشن او نشان دهنده ی وجود نظام پدرسالاری مبتنی بر قوه ی قهریه برای مهار اجزای جامعه (افراد و خانواده) برای حفظ قدرت خود در جامعه سنتی است. درباره ی خشونت، تعریفی که مورد پذیرش همگان باشد، وجود ندارد... اما جنبه ای که مورد تأیید همه است این است که خشونت «استفاده یا سوء استفاده از قدرت است که فرد با استفاده از زور فیزیکی دیگران را در وضعیتی برخلاف خواستشان قرار می دهد» (آرنت، ۱۳۵۹: ۶۳).

اورهان در مقام یکی از وفاداران به دستگاه قدرت موجب آزار و اذیت آیدین و حتی یوسف می شود. برخلاف آیدین که در تقابل با نظام سنتی پدرسالاری است، اورهان ادامه دهنده و تقویت کننده ی این نظام می باشد. او فرزند مورد علاقه ی جابر اورخانی است: «پدر، اورهان را بغل کرد. دستش را به همه نشان داد که مشت شده بود و نمی شد باز نشان کرد. به خصوص در خواب. پدر گفت: به این دست ها نگاه کنید. این پسر مال جمع کن می شود. زندگی مرا توی مشتش می گیرد. پسر من است اورهان» (معروفی، ۱۳۸۰: ۸۹). این تقابل ها و به عبارت دیگر مانی گرایی در رمان های فارسی از یک سو برآمده از ذهنیت و تفکر سنتی ایران است. «سنت فرهنگی ما به طریق اولی بر تضاد و تناقض استوار و جنگ دائمی خیر و شر، اهرمن، زروان روشنایی و زروان تاریکی، جلوه های چنین تناقضی است» (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۸). این نگرش در آثار حماسی و عرفانی نیز کاملاً مشهود است.

### وهله ی دوم: تحریم طبقاتی

پدر شخصیت اصلی داستان در مقابل ازدواج آبادانی با دخترش آیدا وقتی می بیند که چاره ای ندارد جز پذیرش این ازدواج تصمیم می گیرد در مراسم عروسی شرکت نکند و چند روزی قبل از عروسی به تبریز می رود تا با این عمل همچنان بر قدرت خود پا برجا بایستد. وقتی پدر از تبریز بر می گردد آبادانی به سراغش می رود و می گوید: «آرزو داشتم در عروسی حضور داشتید، پدر. پدر گفت: به من نگو پدر. پدر به کنار پنجره راهرو رفت، پشت به آبادانی و آیدا ایستاد و در پایان بعد از بحث با آبادانی به آن دو می گوید: به سلامت و به اتفاق خودش رفت.» (معروفی، ۱۳۸۰: ۱۴۳). این جمله در واقع محروم داشتن آیدا از راه یافتن به گستره ی قدرت طبقاتی میراثی است که تاوان همراه شدن با فردی به نام آبادانی و به چالش کشیدن ساختار قدرت پدر است. و این نوع رفتارهای پدر است که راه را برای بازگشت دوباره آیدا به خانه می بندد و او پس از مدتی از سمت شوهر دچار رنج و عذاب می



رمان «ممنوی مردگان» عباس معروفی... ۲۶۳

گردد و دست به خودسوزی می زند. «مادر می گوید: کاش می دانستم. کاش دردش را می دانستم. اما هرچه بود زیر سر آبادانی بود» (همان، ۲۵۴). آیدا، تنها زن داستان است که دوبار قربانی می گردد. یک بار قربانی ایدئولوژی پدرسالار و بار دیگر قربانی ایدئولوژی همسرش. «همسایه هایش گفته اند آبادانی آن شب آیدا را از خانه انداخته بیرون. حالا چرا؟ هیچ کس نمی داند» (همان، ۲۲۶). آیدین نیز هنگامی که از ایدئولوژی سختگیرانه ی پدر خسته می شود و می رود، اورهان است که با بازگشت وی به خانه مخالفت می کند. «پدر گفت: بگذار برود دنبال اطوار خودش. ولی سراغ من نیاید. آیدین گفت: من هم قصد ندارم بیایم. پدر فریاد زد گم شو» (همان، ۱۰۴) اورهان، نمودی از پدر است با همان اندیشه ها و تفکرات. «[اورهان گفت]: آمده ای اینجا چه کنی؟ گفت: خیلی دلم گرفته بود... گفت: تو نمی بایستی می آمدی.»

نکته ی حائز اهمیت دیگر این است که پدر سالاری با دو نوع کنش بر سوژه (فرزندان) اعمال می شود. ابتدا با کارکرد ایدئولوژی و سپس با قوه قهریه و سرکوبگری؛ یعنی پدر ابتدا از گفتمان خشن جهت پیشبرد اهداف خود استفاده می کند، اما سپس به قوه ی قهریه جهت سرکوبی آیدا و آیدین روی می آورد. چرا که «هر گروهی، تحت لوای ایدئولوژی، به شکلی تربیت می شود که برای ایفای نقش خود در جامعه طبقاتی مناسب باشد» (فرتر، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

### وهله سوم: بازگشت به عقب

نشانه های این مرحله از همان آغاز مرحله ی دوم در داستان گنجانده شده اند، تصاویری (Imagery) ارائه شده توسط نویسنده برای بازنمایی دلتنگی های آیدا برای خانه پدری اش. «آیدا هر سال پانزده روز به خانه ی پدری می آمد و حالا بار سوم بود» (معروفی: ۱۳۸۰، ۱۶۲). این همان خانه ایست که پس از ترک آن و ورود به خانه ی آبادانی، به ظاهر احساس کرده بود که از زندان رها شده است. این خانه چه برای آیدا و چه برای آیدین در حکم زندانی بیش نبود و به همین دلیل است که آیدین می گوید: «می خواهم دور این زندگی را خط بکشم بروم سراغ خودم» (همان، ۱۶۴). یا «آدم در این خانه پیر می شود» (همان، ۱۶۵). و برای آیدا نیز این خانه در حکم زندانی بیش نبود، زندانی که زندانبان آن پدر خانواده است. پدر او را محکوم به ماندن در خانه کرد. «در آشپزخانه نم می کشید» و «به سکوت خو می گرفت و آنقدر بی حضور شده بود که همه فراموشش کرده بودند» (همان، ۹۰). چنین زندانی است که آیدا و آیدین هر یک به گونه ای قصد فرار از آن را دارند. به نظر آلتوسر، «ایدئولوژی برای

هر فرد، زنجیره ای از تنش های خاص را از پیش در نظر می گیرد که خود، درون آن جای داده می شود» (صادقی، ۱۳۸۷: ۸۹). سوژه (زن) یعنی آیدا و مادرش باید در خانه بمانند، باید ساکت و متین باشند. اما نکته ی مهم این است که رفتارهای آبادانی آن چنان عامل محرک قوی نبود تا وی را به سوی طبقه خود براند بنابراین برای رهایی از سلطه ی مردسالاری تصمیم به خودسوزی می گیرد. این به نوعی باز بیانگر قدرت طبقه ی صاحب قدرت است که موجب نابودی آیدا می شود. در واقع آیدا بین زندان پدر و همسر، راه سومی را انتخاب می کند و از طرف دیگر این نابودی را نیز در آیدین می بینیم، نماینده پدر، یعنی اورهان در غیاب پدر صاحب قدرت، قدرت نمایی می کند و باعث نابودی آیدین می شود. «پدر سالاری» در این داستان پدیده ای غالب شبیه به یک نهاد سیاسی است. «پدرسالار، مؤنث را به تابع مذکر یا جنس پست تر تبدیل می کند و این قدرت، مستقیم و غیرمستقیم، در زندگی مدنی و خانوادگی، در جهت اعمال محدودیت بر زنان به کار گرفته می شود (سلدن و ویدوسون، ۱۳۸۴: ۲۶۶).

### نتایج مقاله

بررسی رمان سمفونی مردگان بر اساس نظریه ی ایدئولوژی آلتوسر، تأثیر ایدئولوژی ها در بازشناسی سوژه (آیدا و آیدین) از خویش و جایگاه خود در اجتماع آشکارا دیده می شود. این شناسایی، تحت تأثیر ایدئولوژی های حاکم، علی رغم مخالفت های سوژه (آیدا و آیدین) با صاحب قدرت (پدر) اما باز این ایدئولوژی حاکم صاحب قدرت (پدر) دارای قدرت است. نظام اجتماع، زنان را (آیدا و مادرش) را چنان پرورش داده است که ناخواسته نظر مرد (صاحب قدرت) را می پذیرد و وی را در رسیدن به هدفش یاری می کنند و در نهایت، همین ایدئولوژی پدرسالار و مرد سالار باعث نابودی ابتدا آیدا و سپس آیدین به دست برادرش که جانشین افکار پدر است می گردد و زن خانواده را نیز محکوم به سکوت می کند. داستان «سمفونی مردگان» به گونه ای روایت شده است که قربانی شدن فرزندان در اثر ایدئولوژی های حاکم و احساس مقابله با این ایدئولوژی بر خواننده تأثیرگذار است. عباس معروفی به عنوان یک نویسنده ی مرد با دیدگاهی کاملاً عمیق و نقادانه، به نظام پدرسالاری و سپس مردسالاری حاکم بر جامعه ی خویش می تازد و نتیجه ای که در پایان داستان می گیرد این

رمان «سمنوی مروگان» عباس معروفی... ۲۶۵\|\|

است که ایدئولوژی حاکم بر سوژه‌ها (چه زنان داستان و چه آیدین) موجبات فنا و نابودی آنان را فراهم می‌آورد.

۲۶۶ // فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

### کتابشناسی

- آرنت، هانا. (۱۳۵۹). **خشونت**، ترجمه ی عزت الله فولادوند، تهران : خوارزمی.
- آلتوسر، لویی. (۱۳۸۸). **ایدئولوژی و ساز و برگ های ایدئولوژیک دولت**، ترجمه ی روزبه صدر آرا، تهران : چشمه.
- استونز، راب. (۱۳۹۰). **متفکران بزرگ جامعه شناسی**، ترجمه ی مهرداد میردامادی، چاپ هفتم، تهران : چشمه.
- ایدل، له اون. (۱۳۷۴). **قصه روان شناختی نو**، ناهید سرمد، چاپ دوم، تهران : شباویز
- بال، ترنس و دگر ریچارد. (۱۳۹۰). **آرمان ها و ایدئولوژی ها**، ترجمه ی احمد صبوری، تهران : کتاب آمه.
- حسینی، صالح. (۱۳۸۷). **تحریر کارگاه خیال (مقاله های ادبی و نقد ادبی)**، تهران : نیلوفر.
- سلدن، رامن و پتر ویدوسون. (۱۳۸۴). **راهنمای نظریه ادبی معاصر**، تهران : طرح نو.
- صادقی، امیر حسین. (۱۳۸۷). «**پدرسالاری در بامداد خمار**»، مجله ی پژوهش زبان های خارجی، شماره ی ۴۶، صص ۸۵-۱۰۰.
- فرتر، لوک. (۱۳۸۷). **لویی آلتوسر**، ترجمه ی امیر احمدی آریان، تهران : نشر مرکز.
- کامو، آلبر. (۱۳۸۷). **عصیانگر**، ترجمه ی مهستی بحرینی، تهران : نیلوفر.
- معروفی، عباس. (۱۳۸۰). **سمفونی مردگان**، تهران : ققنوس.
- Therborn, Goran (1999), *The Ideology of power and the power of Ideology*. London : Verso.